

## تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

محمد منان رئیسی

### چکیده

تمدن مدرن، مبتنی بر بنیان‌های فلسفی جدید، سبب تحولات اساسی در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی شد که حوزه‌های کالبدی و بسترهای معمارانه و شهرسازانه نیز از این موضوع مستثنی نبودند. از مهم‌ترین بنیان‌های فلسفی مذکور، مفهوم لیبرالیسم بود که لازمه تحقق آن، ترویج نگاه ابژه‌وار به زن بود که این مهم، سبب ظهور تحولات جدی در عرصه معماری و شهرسازی معاصر گردید. در این پژوهش، با بهره‌گیری از روشی ترکیبی (مربک از روش تحلیل محتوای کیفی و استدلال منطقی) به بررسی مسائل حاصل از ترویج ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر با تأکید بر بستر جغرافیایی ایران پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ظهور مفهوم ابژگی زنانه در بستر لیبرالیسم غربی، سبب تسریع و تثبیت برخی تحولات جدی در معماری و شهرسازی معاصر ایران گردید که از مهم‌ترین آنها، تغییر الگوی کالبدی ابنیه مسکونی از درونگرا و حریم‌زا به برونگرا و حریم‌زدا، تغییر الگوی فراغت از فضاهای خصوصی نظیر باغ‌ها و فضاهای سبز شخصی به پارک‌ها و بوستان‌های عمومی و برخی تحولات دیگر است که همگی در راستای تثبیت نگاه ابژه‌وار به زن در بستر فلسفی لیبرالیسم بوده است.

کلمات کلیدی: ابژگی زنانه، لیبرالیسم، معماری و شهرسازی معاصر، ابنیه مسکونی، حریم

## مقدمه

همواره از مهم‌ترین عرصه‌های مؤثر بر تحولات معماری و شهرسازی در همه ادوار، عرصه فلسفه و بنیان‌های فلسفی بوده است که طی قرون اخیر، با توجه به سرعت تحولات فلسفی و به تبع آن هنری، اهمیت بیشتری نیز یافته است. از مهم‌ترین مفاهیم فلسفه مدرن که از قرن هفدهم و با دکارت آغاز شد، دوگانه‌ای است تحت عنوان «سوژه/ابژه» که بعدها به تدریج تأثیرات حاصل از این دوگانه در زیرشاخه‌های مختلف علوم و معارف بشری اعم از علوم انسانی، هنر و معماری و غیره نمایان شد. <sup>۱</sup> ابژه در تعریف به معنای شیئی است که مورد شناسایی واقع می‌شود و بنا به همین مفهوم، گاهی ابژه را «متعلق شناسایی» نیز ترجمه می‌کنند. به بیان دیگر، ابژه هر آن چیزی است که حاصل ادراک است و بر اثر ادراک، عینیت آن اعتبار می‌یابد. در مقابل، سوژه<sup>۲</sup> به معنای «شناسا» است که ابژه را شناسایی می‌کند. بر این اساس، سوژه‌کنیویه مشاهده‌کننده و ابژه‌کنیویه آن چیزی است که مشاهده می‌گردد (کرم، ۱۳۹۰: ۱۱۵۶).

مسئله اساسی که این پژوهش بر آن متمرکز است این است که دوگانه سوژه/ابژه، سبب تحولاتی در تمدن معاصر غرب شده است که دامنه تأثیرات آن، همسو با بروز برخی تطورات جدی در عرصه معماری و شهرسازی معاصر شده است که ایران نیز از این سیر تطورات مصون نبوده است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که نسبت دوگانه فلسفی سوژه/ابژه با تحولات معماری و شهرسازی معاصر ایران از منظر فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی چیست؟

## پیشینه تحقیق

توجه به ریشه واژه‌های سوژه و ابژه و تحولات معنایی که

در تاریخ فلسفه غرب داشته‌اند در نیل به تعریف درست از سوژه‌کنیویه بسیار راهگشا است. به آنچه در بنیاد قرار داده می‌شود موضوع یا سوژه می‌گویند (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۰). در زبان یونانی برای رساندن معنای موضوع، لفظ hypokeimenon را به کار می‌بردند. این لفظ مرکب از دو بخش hypo به معنای زیر و keimenon به معنای نهادن است (ضیاء شهابی، ۱۳۹۱: ۸۶) اما در زبان لاتین برای موجودی که موضوع است کلمه subjectum را ساخته‌اند و در مقابل آن کلمه objectum قرار داده‌اند. پیشوند sub به معنای زیر است که در اینجا مقصود همان شالوده و بنیاد است. پیشوند ob به معنای برابر و مقابل است. jectum اسم مفعول است از jectare یعنی افکندن و jectum به معنای افکنده شده است. از این رو معنای لغوی subjectum «زیر افکنده شده» یا «در بنیاد قرار داده شده» است و معنای objectum «در برابر افکنده شده» است. کلمه subjectum در زبان لاتینی بر هر موجود خارجی اعم از انسان دلالت دارد (همان).

دکارت با جمله «من می‌اندیشم پس هستم» سوژه را مرکز هستی و ابژه را موضوع شناخت قرار داد و آنها را از هم جدا کرد (دکارت، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۱) اما در فلسفه دکارت، این دو هنوز معنای جدیدشان را ندارند و در حقیقت، با فلسفه کانت است که آنها معنای امروزی خود را می‌یابند. یعنی سوژه (subject) به معنای انسان از آن جهت که فاعل شناساست و object به معنای متعلق شناسایی یا شیء خارجی و به تعبیر کانت، gegenstand به کار می‌رود (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۱). کانت objective را امری می‌دانست که خارج از حیطه سوژه است و subjective دلالت دارد بر چیزی که در سوژه است و از شئون آن به شمار می‌رود (هایدگر، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۷).

به دنبال ترویج نگاه ابزاری به زن در برخی تحولات معاصر غرب، دوگانه سوژه و ابژه به این نتیجه منجر شد که مرد در جایگاه سوژه و زن در جایگاه ابژه قرار گیرد؛ اولین بیان می‌دارد که زن

1 Object

2 subject

## تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

تصویر است و مرد صاحب نگاه، و قدرت در دستان مرد است (اولین، ۱۳۹۵: ۳۲۴). به اعتقاد هنینگ، زنان به خودشان به عنوان موضوع نگاه می‌نگرند. این نه تنها بخش عمده رابطه میان مرد و زن را تعیین می‌کند بلکه تعیین‌کننده رابطه زنان با خودشان نیز می‌باشد به نحوی که بیننده‌ای که درون زن به خودش نگاه می‌کند مذکر است و آنکه دیده می‌شود مؤنث است. پس او خود را به ابژه بدل می‌کند (هنینگ، ۱۳۹۲: ۲۱۹).

با توجه به زمینه‌های هنری معماری، برای دستیابی به ارزیابی دقیق‌تری از تأثیرات دوگانه سوژه/ابژه بر تحولات معماری و شهرسازی معاصر، گریزی از تحلیل تأثیرات حاصل از دوگانه سوژه/ابژه بر تحولات هنر معاصر نیست. در پژوهشی با عنوان «بازتعریف بدن در هنر فمینیستی» به مطالعه آثار هنر بدن فمینیستی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و بررسی زمینه فکری و اجتماعی هنرمندان فمینیسم به عنوان یکی از خاستگاه‌های مهم تحول معانی و جایگاه بدن در هنر معاصر غرب پرداخته شده است و چنین استنتاج شده است که بدن در آثار دهه‌های مذکور، به عنوان عاملی پویا و فعال در تعامل با مخاطب و مسائل اجتماعی با تأکید بر فرایند و نه محصول نهایی بیان شده است (اریاب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸-۴۷). در مجموع، نگاه ابژه‌گونه، سبب اصالت و محوریت بدن زنان در بسیاری از فرایندهای هنری معاصر (اعم از سینما و نقاشی و غیره) گردید که مصادیق متعددی از آن را می‌توان در سینمای هالیوود و برخی دیگر از مراکز هنری معاصر غرب مشاهده کرد.

این نوع تن‌وارگی و ابژگی زنانه، همان چیزی است که در فرهنگ اسلامی، تحت عنوان کلی «تبرّج» از آن نهی شده است که هر نوع جلوه‌گری در رفتار و حتی گفتار را شامل می‌شود (عطائی، ۱۳۹۹: ۱۴۸؛ روحی برندق و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۶-۱۲۱). نتیجه این نوع تن‌وارگی و جلوه‌گری که محصول ابژگی زنانه است، رواج نوعی نگاه شی‌انگارانه به زنان است که ریشه

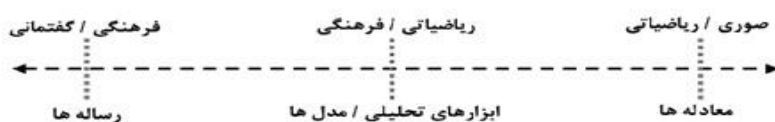
در خود شی‌انگاری دارد و فرایند یا حالتی است که در آن، شخص احساس فردیت خود را از دست می‌دهد (Talmon and Ginzburg, 20016) که این موضوع بیشتر به زنان اختصاص دارد زیرا خصیصه تبرّج و خودنمایی به صورت طبیعی و غریزی در زنان نمود بیشتری دارد (حسینی دولت آباد و هاشم‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۴۷).

تا کنون تألیفات متعددی در خصوص دوگانه فلسفی سوژه و ابژه و مفاهیم مرتبط با این دو نظیر ابژگی، تن‌وارگی و تبرّج منتشر شده است اما تاکنون به مسئله چیستی تحولات همسو با غلبه نگاه ابژه‌وار به زن در معماری و شهرسازی به‌ویژه در جغرافیای معاصر ایران پرداخته نشده است. این پژوهش درصدد رفع همین خلأ است و سعی دارد با پی‌جویی مفهوم ابژه و زمینه اصلی شکل‌گیری آن (تحت عنوان لیبرالیسم) در فلسفه معاصر غرب، چیستی تحولات همسو با این مفهوم در معماری و شهرسازی معاصر ایران را تبیین کند که همین مهم، وجه بداعت و نوآوری این پژوهش را شامل می‌شود.

### روش تحقیق

روش مورد استفاده برای استنتاج یافته‌های این پژوهش، روشی ترکیبی (مربک از تحلیل محتوای کیفی و استدلال منطقی) است؛ به این ترتیب که ابتدا و پس از گردآوری داده‌ها، در گام اول برای فحص در متون پژوهشی، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. شایان ذکر است که برخلاف روش‌های کمی که برای اعتبارسنجی استنتاج‌های آماری در آن، به داده‌هایی نیاز است که با استفاده از قواعد نمونه‌گیری انتخاب شوند، نمونه در تحلیل‌های کیفی معمولاً دربردارنده انتخاب هدفمند مواردی است که بازتاب‌دهنده پرسش‌های پژوهش است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۴۴-۱۵) بنابراین داده‌های مورد استناد در این مقاله، مبتنی بر انتخاب‌های هدفمندی است که در راستای تبیین چیستی

منطقی مطابق با تصویر ۱ بهره‌گیری شده است که این روش، طیف گسترده‌ای از معادله‌ها و برنامه‌های رایانه‌ای تا رساله‌ها و گفتمان‌های فرهنگی را شامل می‌شود (گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۳۰۳). در این میان، آنچه مصداق این پژوهش است از نوع گفتمان‌های فرهنگی است.



تصویر ۱. طیف روش استدلال منطقی

مأخذ: گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۳۰۳

تحولات همسو با مفهوم ابژکتی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران انتخاب شده است و از این رو در فرایند انتخاب آنها از قواعد پژوهش‌های آماری و کمی پیروی نشده است. سپس در گام بعد، برای استنتاج نهایی یافته‌های حاصل از پژوهش و ارائه سامانه منطقی یافته‌ها، از روش استدلال

۸۴) که این امر نیز به یکپارچگی منطقی درونی آن بر می‌گردد. نهایتاً می‌توان چنین گفت که در چنین پژوهش‌هایی که تابع سنجه‌های پژوهش‌های پوزیتیویستی نیستند، ملاک کیفیت معرفت عبارت است از باورپذیری و انتقال‌پذیری (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۸۷) بر این اساس، باید برای آزمون‌پذیری یافته‌های این پژوهش به محیط فرهنگی سامانه گفتمانی این تحقیق توجه گردد که این محیط، مبتنی بر معارف اسلامی مطابق با رویکردی تفسیری می‌باشد.

### بحث و تحلیل

قرآن کریم، به لحاظ متعلق شناسایی، تفاوتی بین مردم و زن قائل نمی‌شود و هر دو را در جایگاه سوژه به شناخت حقیقت هستی دعوت می‌کند. عباراتی نظیر «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» بیانگر هم شأن بودن زن و مرد در شناسایی حقیقت هستی است که پاداش این شناسایی و متذکر شدن به حقیقت هستی، چه برای زن و چه برای مرد، بهشت برین و اجر عظیم است: «وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعِدِ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/۳۵).

درخصوص هر پژوهشی، آنچه به لحاظ روش‌شناسی حائز اهمیت است معیارهای آزمون‌پذیری آن است اما این مهم، تابع پارادایمی است که آن پژوهش در آن انجام می‌گیرد؛ پارادایم‌های مختلفی که امروزه برای انجام پژوهش، مورد استفاده قرار می‌گیرند معیارهای متفاوتی را برای اعتبار و آزمون‌پذیری یک تحقیق مشخص ارائه می‌کنند (رئسی، ۱۳۹۵: ۵). برای مثال، معیارهای رایجی که تحت عنوان روایی و پایداری از آنها یاد می‌گردد، معیارهای سنجش کیفیت معرفت در پارادایم اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) هستند که این تحقیق از سنخ این نوع پارادایم نمی‌باشد.

از این رو باید مشخص گردد که آزمون‌پذیری این پژوهش که در بخش استنتاج نهایی یافته‌ها از روش استدلال منطقی استفاده کرده است به چه صورت می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد گام دوم این پژوهش از نوع سامانه‌های منطقی فرهنگی/گفتمانی است که در آنها، پذیرش منطقی بودن، در محیط فرهنگی همان سامانه معنا دارد (گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۳۱۰). در چنین پژوهش‌هایی، «اقناع‌کننده بودن» می‌تواند تفسیرکننده مفهوم «آزمون‌پذیری» باشد (همان،

## تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

فلسفه دعوت اسلام به حجاب نیز همین موضوع است؛ اسلام بر شأنیت سوبژگی زن (در تقابل با ابژگی او) تأکید دارد و لذا از او می‌خواهد تا با پوشاندن مظاهر ابژگی، اجازه ندهد تا جامعه او را تا حد «متعلق شناسایی» فرو بکاهد زیرا در ادبیات قرآنی، زن و مرد، هر دو هم‌شأن و از یک جنس هستند بنابراین تفاوتی میان آنها در شناسایی هستی وجود ندارد: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (اعراف/189).

اما در تمدن معاصر غرب، با نگاه ابزاری به زن در بستر لیبرالیسم، شأن او از جایگاه شناسنده به جایگاه متعلق شناسایی فروکاهیده می‌شود و چون نگاه غالب این تمدن نیز مادی و ماتریالیستی است پس هر ابژه‌ای (از جمله زن) هرچه وجوه مادی و عینی‌اش برجسته‌تر شود مطلوبیت بیشتری دارد و چنین می‌شود که تن زن و جذابیت‌های زنانگی او در مقام ابژه، موضوعیت می‌یابد. گرچه در خصوص ابژگی زن و نگاه ابزاری به او در تمدن معاصر غرب تألیفات متعددی منتشر شده است اما حلقه مفقوده‌ای که تاکنون مورد غفلت بوده است این است که کالبد و به‌طور مشخص، معماری و شهرسازی که متناسب با این نوع نگاه به زن و مفهوم ابژگی او باشد چه مشخصاتی دارد؟

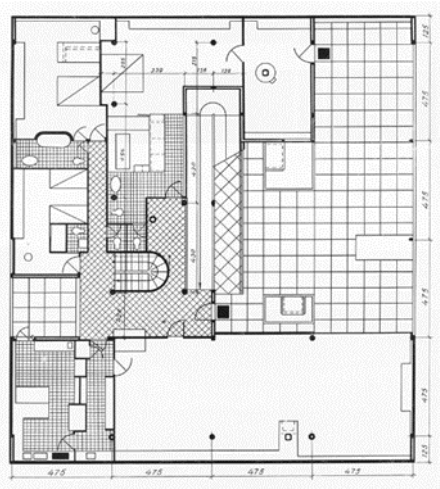
لازمه بروز و ظهور هرچه بیشتر جذابیت‌های زنانگی، تحول اساسی فضای کالبدی (چه در مقیاس خانه و چه در مقیاس شهر) است. معماری سنتی که تا پیش از فلسفه مدرن، معماری پوشاننده و حریم‌مند بود، همسو با تغییر نوع نگاه به زن و کالایی شدن او، به معماری عریان و بدون حریمی بدل گشت تا از پس این معماری عریان، ابژگی زن بیشتر و بهتر به چشم مرد (به‌عنوان سوژه) بیاید. لوکوربوزیه (به‌عنوان پدر معماری مدرن) چند اصل مهم را برای معماری مدرن تجویز کرد که دو مورد از آنها (یعنی پلان آزاد و نمای آزاد) به‌وضوح همسو با این موضوع بودند.

پلان آزاد سبب شد مرز بین فضاهای درون خانه به‌کلی

مخدوش شود (نظیر مستحیل‌شدن مرز بین پذیرایی و آشپزخانه در آشپزخانه‌های این) و نمای آزاد نیز سبب شد مرز بین فضای درون خانه با فضای بیرون (شوارع و خیابان‌ها) مخدوش شود و به این ترتیب، معماری عریان و بدون حریمی شکل گرفت که در آن، دیگر نه خبری از حفظ حریم بود و نه نشانه‌ای از توجه به حرمت زیرا لازمه تجلی ابژگی در معماری، درهم شکستن حریم‌ها و مرزهای معمارانه بود تا ابژگی، هرچه بیشتر و بهتر به چشم بیاید.

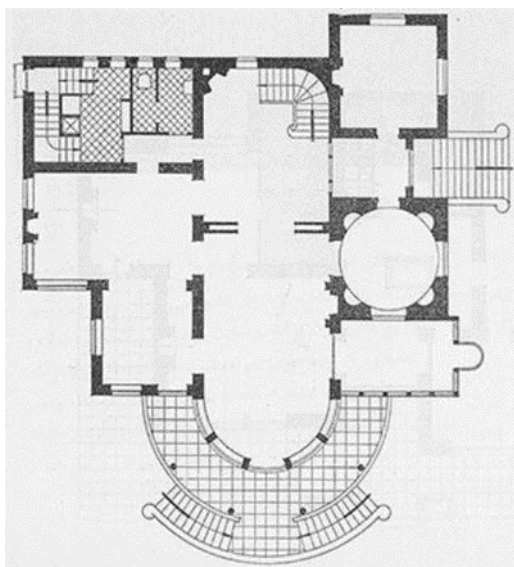
لوکوربوزیه این اصول را در طرح ویلا ساوا در پوآسی در شمال پاریس (1928-30) به نمایش گذارد (قبادیان، 1382: 63). همان‌طور که در تصاویر این پروژه مشخص است مرز چندانی میان فضاهای مختلف (اعم از فضاهای خصوصی‌تر همچون آشپزخانه و فضاهای عمومی‌تر همچون پذیرایی) در این ویلا مشاهده نمی‌شود و حدود و مرزهای فضایی به مقدار قابل توجهی مستحیل شده است؛ نمای آن نیز کاملاً آزادانه و به‌دور از قواعد نماهای کلاسیک طراحی شده است (تصاویر ۲ و ۳).

پس از طراحی این ویلا و چند پروژه مشابه دیگر در اروپا که در همه آنها تأثیرات لیبرالیسم و نگاه ابژه‌گونه به زن بر پلان و معماری آنها مشهود بود، به تدریج نمونه‌هایی از طرح‌های مشابه در ایران طراحی و اجرا شد که در آنها نیز از بین رفتن مرز و حریم میان فضاهای مختلف به تبعیت از نمونه‌ها و الگوهای غربی، کاملاً مشهود بود (تصاویر ۴ و ۵). بر همین اساس، مواردی همچون تبدیل الگوهای مسکن درونگرا به برونگرا، پدیدارشدن الگوی آشپزخانه open و فاقد مرزبندی کالبدی با پذیرایی و فضاهای عمومی‌تر منزل، نماهای کاملاً شفاف و فاقد محریمیت کافی و غیره، همگی از مواردی هستند که در معماری و شهرسازی معاصر ایران می‌توان رد پای مبانی لیبرالیسم و ترویج نگاه ابژه‌وار به زن را در بروز و ظهور آنها مشاهده کرد (رئیسی، ۱۳۹۷: ۳۰۶).



تصاویر ۲ و ۳. ویلا ساوای لوکوربوزیه، در پلان و پرسپکتیو این ویلا به وضوح آزادی در روابط فضایی و مستحیل شدن مرز میان فضاهای خصوصی و عمومی و داخلی و خارجی قابل مشاهده است که این استحاله مرزها، همسو با مبانی لیبرالیسم فضایی و ترویج نگاه ابژه-وار به زن می-باشد.

مأخذ: <https://www.lescouleurs.ch/en/the-colours/le-corbusier>



تصاویر ۴ و ۵. طرح فروغی برای یک ویلا در تهران در دهه ۱۳۲۰ شمسی. مخدوش شدن مرز و حریم میان فضاها و تأکید بر حداکثر شفافیت فضایی در راستای مفهوم لیبرالیسم فضایی در این طرح و نمونه-های مشابه آن کاملاً مشهود است.

مأخذ: مجله آرشیفتک شماره ۶، ۱۳۲۷: ۲۱۹

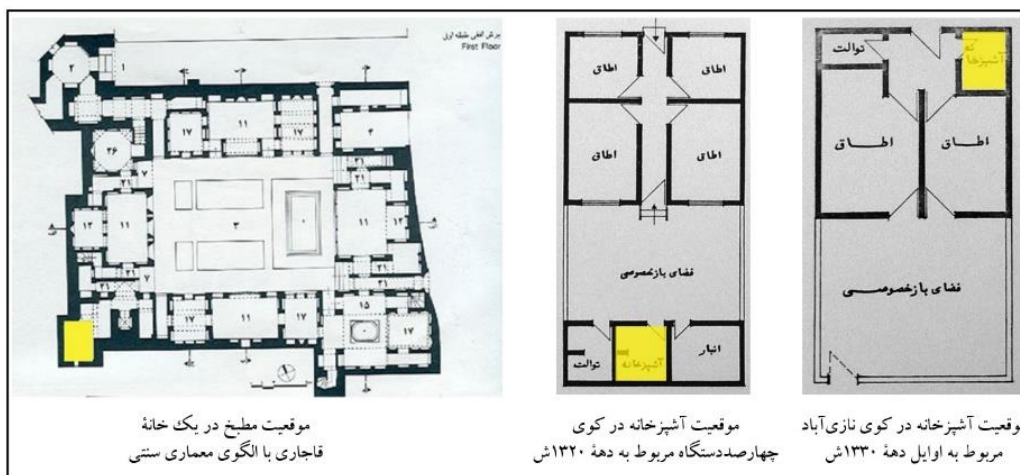
(مطبخ) رادار الگوی سنتی خانه‌های ایرانی نشان می‌دهد که در گوشه‌ای به دور از دانه‌های اصلی خانه جانمایی می‌شد. پلان دوم که مربوط به کوی چهارصد دستگاه در دهه ۱۳۲۰ شمسی

برای نمونه در تصویر ۶، مقدمات ظهور آشپزخانه open و تغییر موقعیت آشپزخانه در مسکن معاصر ایرانی به کمک پلان سه خانه نشان داده شده است. پلان اول موقعیت آشپزخانه

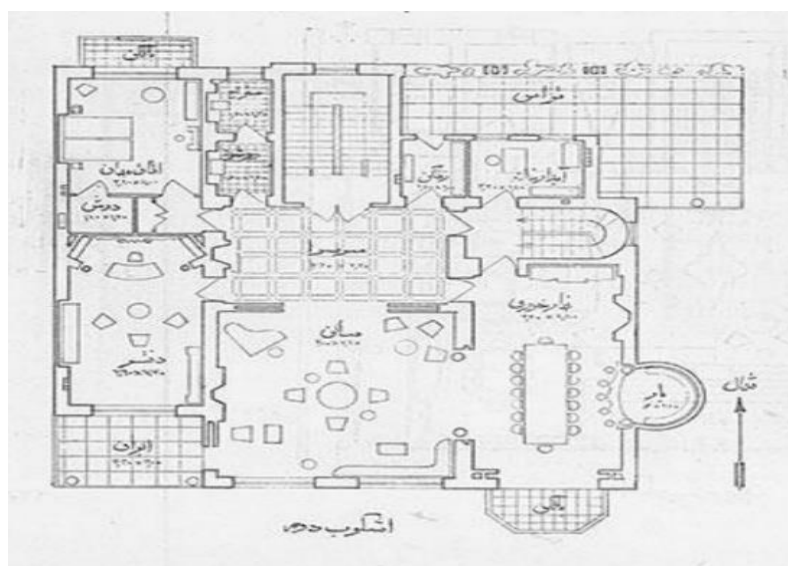
## تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

همچنین تصاویر خانه‌های دیگر که در همین دو دهه توسط برخی آرشیتکت‌های ایرانی طراحی شده است نیز نشان‌دهنده ایجاد دگرگونی در الگوی معماری داخلی خانه‌های ایرانی است. حالا دیگر اتاق‌های چندعملکردی در الگوی معماری سنتی جای خود را به فضاهای مبلمان‌شده و تک‌عملکردی همچون غذاخوری، نشیمن و اتاق خواب می‌دهند که مستحیل شدن مرز بین فضاهای عمومی و خصوصی در پلان چنین خانه‌هایی کاملاً مشهود است (تصویر ۷).

است از تغییر موقعیت آشپزخانه حکایت دارد اما همچنان به دور از فضاهای نشیمن یا پذیرایی جانمایی شده است. پلان سوم مربوط به الگوی کوی نازی‌آباد و نهم‌آباد در اوایل دهه ۱۳۳۰ شمسی می‌باشد که حالا آشپزخانه در کنار ورودی و سایر فضاهای اصلی خانه قرار گرفته است و در چنین شرایطی، پلان خانه آمادگی آن را دارد تا با برداشتن دیوار آشپزخانه، پدیداری جدید و حریم‌زدا تحت عنوان آشپزخانه open را به ساکنان خود عرضه کند.



تصویر ۶: تغییر موقعیت آشپزخانه در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ شمسی.  
مأخذ: پلان سمت چپ از حاجی قاسمی، ۱۳۹۴. دو پلان دیگر از کیاکجوری، ۱۳۵۱.



تصویر ۷. پلان مبلمان خانه‌ای در خیابان تخت جمشید تهران اثر وارطان هوانسیان مربوط به دهه ۱۳۲۰ شمسی

مأخذ: مجله آرشیتکت، شماره ۶، تیرماه ۱۳۲۷

در همین راستا و همسو با ترویج مفهوم لیبرالیسم در سبک زندگی ایرانیان، یکی از مؤثرترین اقدامات غرب بر دگرگونی جوامعی مانند ایران، تصویب «برنامه اصل چهار» توسط دولت ترومن بود. به موجب این طرح، آمریکا با کمک‌های فنی و اقتصادی خود به کشورهای کمتر توسعه‌یافته، همانند آنچه پیش‌تر با طرح مارشال در اروپا در حال انجام بود، حوزه نفوذ فرهنگی و اقتصادی خود را افزایش می‌داد (Isenstadt & Rizivi, 2008, 6). ذیل این برنامه، دو اقدام آمریکایی‌ها به‌طور مستقیم بر گسترش سبک زندگی غربی در ایران دامن می‌زد: اول تأسیس «ایستگاه تلویزیون» و پخش برنامه‌های تصویری و دوم تأسیس «دپارتمان اقتصاد خانه» به دلیل افزایش تأثیرگذاری بر شیوه زندگی زنان و دختران ایرانی.

در ایران حوزه آموزشی برنامه اصل چهار تحت عنوان کلی «تعلیمات اساسی»، نقطه شروع فعالیت‌های خود را با ساخت مکان‌های ویژه برای دوره اقتصاد خانه، ابتدا در پایتخت و سپس دیگر شهرها تعریف کرده بود. در واقع مشابه نمونه‌های آمریکایی، اینجا نیز در همه شهرها برنامه‌هایی که برای دوره

اقتصاد خانه طراحی شده بود در خانه‌های ازیبش ساخته شده (به‌عنوان مدل) آموزش داده می‌شد. دانش‌آموزان باید ساعات‌هایی که برای دوره اقتصاد خانه در نظر گرفته شده بود را در این مکان‌ها بگذرانند و سپس به کلاس‌های دبیرستانی خود بروند (Karimi, 2013: 90). این مدارس به‌عنوان فضای سکونت نمونه، ازیبش طراحی شده بودند و هدفشان ارائه یک الگوی پیشنهادی برای خانه‌های آینده در ایران بود (همان، 92). متخصصان اصل چهار به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودند تا دختران جوان مهارت‌های سنتی خود اعم از شیوه پخت‌وپز، نظافت و بهداشت، پذیرایی از میهمانان و غیره را با نگاه به الگوهای غربی اصلاح کنند و به دنبال آن، طراحی داخلی و دکوراسیونی همانند خانه‌های آمریکایی برای فضای سکونت خود خلق کنند (تصویر ۸)؛ دکوراسیونی که به‌وضوح، متناسب با مفهوم لیبرالیسم فضایی و نگاه ابژه‌وار به زن بود و همین امر، سبب استحاله مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی در مسکن معاصر ایرانی برای ظهور و بروز هرچه بیشتر ابژگی زنانه شد.



تصویر ۸: آموزش بانوان ایرانی متناسب با دکوراسیون حریم-شکن خانه آمریکایی در دوره تحصیلی «اقتصاد خانه» ذیل برنامه اصل چهار در تبریز

مأخذ: karimi, ۲۰۱۳

## تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

در این میان، یکی از فضاهایی که بیش از همه تحت تأثیر اقتضائات مفهوم لیبرالیسم قرار گرفت فضای آشپزخانه یا مطبخ بود زیرا به طور طبیعی، این فضا بیش از سایر ریزفضاهای مسکونی، محل حضور و فعالیت بانوی خانه بود و از آن جایی که تحقق ابژگی زنانه در بستر لیبرالیسم فضایی، بدون تحول فضای اصلی حضور بانوی خانه میسر نبود؛ آشپزخانه به طرز کاملاً مشهودی، متأثر از تحولات معماری و شهرسازی معاصر گردید که همان طور که پیش تر اشاره شد، نتیجه این سیر تحولات، بروز پدیدارهای نوظهوری همچون آشپزخانه‌های اپن و جزیره‌ای بود.

این نوع پدیدارها، دقیقاً در تقابل با آن چیزی است که از فرهنگ قرآنی استنتاج می‌شود: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ، فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ: آیا خبر مهمانان ارجمند و بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ زمانی که بر او وارد شدند، پس سلام گفتند؛ گفت: سلام، مردمی ناشناسید؛ پس به سوی خانواده‌اش بازگشت و گوساله‌ای فربه [و بریان شده] آورد» (ذاریات/۲۶-۲۴). طبق این آیات، فضای پذیرایی و مهمانداری باید از آشپزخانه کاملاً جدا باشد زیرا معنای «روغ» که مصدر فعل ماضی راغ در آیه «فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ» است این است که انسان طوری از حضور حاضران برود که نفهمند برای چه می‌رود؛ دیگران گفته‌اند به معنای رفتن پنهانی است ولی برگشت معنای اولی هم به همان معنای دوم است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، جلد ۱۸). پس قاعدتاً طبق این آیه، فضای مطبخ نباید در دسترس و حتی دید مهمانان باشد زیرا در غیر این صورت، استفاده از فعل «راغ» در این آیات که به معنای رفتن پنهانی ابراهیم (ع) به سوی همسرش برای تدارک غذا برای مهمانان است هیچ توجیهی نمی‌یابد.

این مهم و چگونگی ارتباط فضایی میان فضای آشپزخانه و

فضای پذیرایی از مهمان، تا قبل از ورود مدرنیسم و ظهور مفهوم لیبرالیسم در معماری ابنیه مسکونی ایران به طرز مشهودی رعایت می‌گردید اما بعد از ظهور لیبرالیسم در معماری و شهرسازی معاصر ایران، کیفیت ارتباط فضایی مذکور دستخوش تحول اساسی گردید و آشپزخانه از حریم خصوصی و اندرونی خانه به فضای بیرونی و عمومی خانه منتقل گشت تا محملی برای بروز ابژگی زنانه در بستر لیبرالیسم فضایی باشد (جدول ۱).

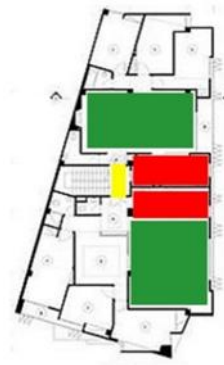
بر این اساس، اقتضائات لیبرالیسم فضایی و ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران، منتج به تحولاتی گردید که نه تنها با سبک زندگی ایرانی بلکه با فرهنگ قرآنی نیز در تعارض بود. دقیقاً کمی پیش از بروز این تحولات کالبدی و ظهور تأثیرات کالبدی لیبرالیسم در معماری و شهرسازی معاصر ایران، می‌توان تأثیرات فرهنگی حاصل از این اندیشه را پی‌جویی کرد که از مهم‌ترین این تأثیرات، قضیه کشف حجاب در دوره رضاشاه است. رضاشاه که پس از سفر به ترکیه، سخت شیفته مظاهر تمدن غرب شده بود، تصور کرد که اگر فرهنگ و پدیدارهای شکلی ما به رنگ و بوی غرب درآید، پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک غرب نیز برای ما حاصل خواهد شد و بر همین اساس به تغییراتی برون‌زا در فرهنگ و اعتقادات جامعه مسلمان ایران اهتمام کرد که از مهم‌ترین این تغییرات، دستور به الزام بانوان ایرانی به کشف حجاب بود. دستوری که در ارتباط آن با مبانی لیبرالیسم و آزادی به سیاق غربی تردیدی نیست؛ زیرا به دنبال تلقی پهلوی اول از مفهوم آزادی به سبک غربی، تأثیرات حاصل از مفهوم لیبرالیسم غربی در جوه مختلف فرهنگی و اجتماعی دوره پهلوی با شدت نمایان شد که محوریت بخش مهمی از این تغییرات، آزادی به سبک غربی و به‌ویژه ابژگی زنان بود.

جدول ۱. بررسی تطبیقی چهار پلان سنتی و معاصر به لحاظ ارتباط مفهوم ابزگی زنانه و کیفیت روابط میان ورودی، آشپزخانه و پذیرایی

مأخذ: نگارنده

ملاحظات	چگونگی رابطه فضایی میان ورودی، پذیرایی و آشپزخانه	پلان	موقعیت مکانی و زمانی پلان
<p>- در تمامی پلان‌های ارائه شده، رنگ زرد نمایانگر ورودی، رنگ قرمز نمایانگر آشپزخانه و رنگ سبز نمایانگر پذیرایی یا تالار می باشد.</p> <p>- پلان‌های معاصر، دو واحدی هستند.</p> <p>- در نمونه‌های معاصر، به دلیل حذف فضاهای باز از مرکز هندسی مسکن و همسو با مفهوم لیبرالیسم فضایی، الگوی خانه از درونگرا به برونگرا تغییر یافته است تا بستری باشد برای ظهور هرچه بیشتر ابزگی زنانه.</p> <p>- در دو نمونه معاصر (یکی در تهران و دیگری در محلات) روابط سه‌گانه فوق، از دو نوع الگو تبعیت می‌کند که موقعیت آشپزخانه و پذیرایی در این دو الگو جابه‌جا شده است.</p>	<p>ورودی</p> <p>فضای باز (حیاط)</p> <p>تالار (پذیرایی)</p> <p>فضای باز (حیاط)</p> <p>آشپزخانه</p>		<p>خانه حاج رسولی‌ها (اصفهان) اواخر زندیه</p>
<p>- در دو نمونه معاصر (یکی در تهران و دیگری در محلات) روابط سه‌گانه فوق، از دو نوع الگو تبعیت می‌کند که موقعیت آشپزخانه و پذیرایی در این دو الگو جابه‌جا شده است.</p>	<p>ورودی</p> <p>فضای باز (حیاط)</p> <p>تالار (پذیرایی)</p> <p>فضای باز (حیاط)</p> <p>آشپزخانه</p>		<p>خانه دکتر اعلم (اصفهان)، قاجاریه</p>
<p>- در نمونه‌های سنتی، آشپزخانه در کنار ورودی مکان‌یابی نشده است و به علاوه، در معرض دید پذیرایی (تالار) نیز نمی‌باشد که</p>	<p>ورودی</p> <p>پذیرایی</p> <p>آشپزخانه</p>		<p>مجموعه مسکونی، تهران، معاصر</p>

## تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

مجموعه مسکونی،  
محلات، معاصر

این نکات کاملاً در تطبیق با آموزه‌های اسلامی است اما در نمونه‌های معاصر، نکات متعددی در تعارض با سبک زندگی اسلامی قابل مشاهده است؛ نظیر مکان‌یابی آشپزخانه در مجاورت ورودی، مشرف بودن پذیرایی به آشپزخانه و غیره. - در هر دو نمونه سنتی (یکی مربوط به زندیه و دیگری مربوط به قاجاریه)، روابط فضایی سه‌گانه ورودی و پذیرایی و آشپزخانه از یک الگوی ثابت و مشخص تبعیت می‌کند که در ستون سوم این جدول قابل مشاهده است. این نوع رابطه فضایی، دقیقاً همان چیزی است که از فرهنگ قرآنی (آیات ۲۴ تا ۲۶ سوره ذاریات) استنتاج می‌شود؛ فرهنگی که معماری خانه در آن، به علت حفظ حریم بانوی خانه، اساساً اجازه بروز ابژگی زنانه را نمی‌داد.

رفع حجاب زن‌ها کرد و چون برای عامه مردم دفتراً مشکل است اقدام کنند، شما وزرا و معاونین باید پیش‌قدم بشوید و هفته‌ای یک بار با خانم‌های خود در کلوپ ایران مجتمع شوید» (صدر، 1364، 291). او این دغدغه فکری خود را چند ماه بعد و در آذر 1314 به محمود جم رئیس‌الوزرا چنین بازگو می‌کند: «نزدیک دو سال است که این موضوع (کشف حجاب) سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته بودند و دوش به دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هرچه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم يك دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن نیشتر زد و از بینش برد» (صلاح، ۱۳۸۴: ۱۱۸). سرانجام در ۱۷ دی ۱۳۱۴ رضاشاه با همسر و دختران مکشوفه خود،

مستشارالدوله سفیر کبیر ایران در ترکیه، تأثیرپذیری رضاخان از لیبرالیسم به سیاق غربی و آزادی زنان ترکیه در پوشش را چنین توضیح می‌دهد: «شبی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابد و در تالار بزرگ خانه ملت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاه‌گاه بلند می‌گفت: عجب! عجب! وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه تالار ایستاده بودم فرمود: صادق، من تصور نمی‌کردم ترک‌ها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان؛ ... فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم» (مکی، ۱۳۶۲: ۱۵۷). او مدتی پس از بازگشت به ایران در جلسه رسمی هیئت دولت در اوایل خرداد ۱۳۱۴ چنین بیان داشت: «باید شروع به

مسکونی) حذف شود، حذف اجباری حجاب زنان ایرانی مد نظر قرار گرفت و طی اعلام رسمی رضاشاه در تاریخ 17 دی ماه 1314، بانوان ایرانی ملزم به حضور در مجامع عمومی بدون رعایت پوشش و حجاب اسلامی شدند (تصویر ۱۰).

در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دختران دانشسرای مقدماتی حضور یافت و تصمیم خود برای اجبار بانوان به کشف حجاب را عملی کرد (تصویر ۹).  
به این ترتیب و در راستای تثبیت پروژه ابزگی زنان، قبل از آنکه حریم و حجاب فضاها در معماری ایرانی (به‌ویژه ابنیه



تصویر ۹: رضاخان در مراسم کشف حجاب

مأخذ: رئیسی، ۱۳۹۷، ۳۰۷



تصویر ۱۰: جشن کشف حجاب در قم در اواسط سلطنت رضا شاه پهلوی

مأخذ: <http://www.iichs.ir> پایگاه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

## تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

شایان ذکر است که هر دوی این موارد (یعنی مخدوش شدن حریم بانوی ایرانی و مخدوش شدن حریم در معماری ایرانی)، سیری برون‌زا داشته است و نه درون‌زا و طبیعی زیرا هم تبدیل الگوهای درون‌گرا به برون‌گرا و حریم‌زدایی از ابنیه ایرانی و هم قضیه کشف حجاب و حجاب‌زدایی از البسه ایرانی، با دستورالعمل‌های دولتی و به صورت اجباری به جریان افتاد. به این ترتیب، به زودی و طی فقط چند سال، خانه ایرانی که تا قبل از تأثیرات لیبرالیسم بر فرهنگ ایرانی، سر به درون داشت و حجاب و حریم کافی برای آرامش ساکنانش را فراهم می‌ساخت، رو به بیرون کرد و حریم و حجاب از رخ برداشت؛ همان‌طور که بانوی مسلمان ایرانی که تا قبل از آن، کاملاً به حجاب و حریم پای بند بود، مجبور به برداشتن حجاب شد که هر دوی این وقایع، ریشه در مفهوم لیبرالیسم غربی و نگاه ابژه‌وار به زن داشت.

معماران پیرو تفکر پهلوی، علاوه بر طراحی آثار حریم‌زدا (به عنوان ترجمانی کالبدی برای لیبرالیسم فضایی و بستری برای بروز ابژگی زنانه)، در تألیفات و یادداشت‌های خود نیز به این موضوع اهتمام داشتند. برای مثال، وارطان هوانسیان که از شاخص‌ترین معماران آن دوره است، چنین بیان می‌دارد: «کسانی که آن زمان (دوره قبل از سلسله پهلوی) را به یاد دارند به خوبی می‌دانند که ساختمان‌های این شهر بزرگ (تهران) مانند طبقه نسوان (بانوان) که در زیر چادر سیاه مستور بودند با دیوارهای بلند کاهگلی و یکنواخت محصور و جز با یک در چوبی آن هم به اشکال مختلف که در روی آنها کوبه‌های آهنی بدقواره‌ای نصب شده بود وسیله ارتباط دیگری با دنیای خارج خود نداشتند. در آن عصر یعنی قبل از رفع حجاب مگر کسی می‌توانست آن حصار سیاه و غم‌انگیز را از گرد منزل مسکونی خود بردارند و از اتاق نشیمن پنجره‌ای بر روی خیابان باز کند و یا بالکنی در جا و بنای خود احداث کند؟ آن روزها همان‌گونه که زن در خانه محبوس و به‌مثابه

یک نفر زندانی زندگی می‌کرد ساختمان‌ها و باغ‌ها و سایر اماکن پایتخت ما هم در میان دیوارهای بلند محصور و مستور مانده و باز چنان‌که در چهره زن آن روز، جلوه تبسم و صفا دیده نمی‌شد قیافه ساختمان‌ها نیز در پناه همین دیوارهای گلی سیاه و بعضاً سر به فلک کشیده، عبوس و غمگین به نظر می‌رسید» (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۱۹۴). ملاحظه می‌شود که در این جملات، به‌وضوح، حجاب و حریم در دو موضوع البسه و ابنیه قبل از دوره پهلوی مورد نقادی قرار گرفته است و بر لزوم حجاب‌زدایی و حریم‌زدایی از این دو تأکید شده است که این نوع نگرش توسط چنین معمارانی، همسو با مفهوم لیبرالیسم غربی بود که در شاخص‌هایی همچون ابژگی زنان ظهور و بروز می‌یافت.

چنین معماری عریانی دقیقاً در تقابل با مفهوم «وَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» (یونس/۸۷) است؛ منظور از این آیه آن نیست که همه شهروندان، خانه خود را در جهت جغرافیایی قبله قرار دهند بلکه منظور آن است که همه تحولات و مناسبات شهر (حتی مناسبات غیرعبادی نظیر سکونت) باید بر حقیقت محور قبله شکل گیرد (میرباقری، ۱۳۹۳) که حقیقت این محور، همانا عبودیت و شناسایی حقیقت هستی است. این نوع خانه، خانه‌ای است در تراز استقرار شناسا و سوژه و نه خانه‌ای فروکاهیده شده برای بروز بیشتر ابژه.

اما بروز ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران، صرفاً به تحولات معماری مسکن منحصر نشد و در ساختار کلی و نظام فضاهای عمومی شهر نیز تطوّرات متناسب با این مفهوم را می‌توان پی‌جویی کرد. در اثر این تطوّرات، شهر باحیا و حریم‌مند سنتی به شهری پر از فضاهای عریان و بدون حریم بدل گشت تا در چنین شهر عریانی، بتوان ابژگی را بیشتر به نظاره نشست که مثال واضح این مهم، تکوین پارک‌ها و بوستان‌های عمومی است. فراغت و تفریح که تا قبل از ورود مدرنیته و ظهور مفهوم لیبرالیسم در ایران، در فضاهای

نمونه‌ها از چنین فضاهای عمومی در عرصه شهر معاصر ایرانی بود. از همین دوره به تدریج پدیدار وارداتی و جدیدی تحت عنوان «پارک» وارد عرصه فضاهای عمومی شهر ایرانی گردید که به کلی متمایز از باغ ایرانی بود و دارای مفهوم، شکل، مالکیت و کارکردی متمایز بود که اولین نمونه از این پدیدار را می‌توان در پارک امین‌الدوله در عصر ناصری مشاهده کرد (تصویر ۱۱) که این پدیدار بدیع، نشان‌دهنده بروز تحولاتی جدید در عرصه زندگی فردی و اجتماعی و ترویج فرنگی‌مآبی بود (مجلسی کوپایی و همکاران: ۱۳۹۲: ۱۳).

حریم‌مند انجام می‌شد (نظیر باغ‌هایی خصوصی و حریم‌مند یا باغچه‌ها و فضاهای سبز خصوصی که در خانه‌های وسیع و مفرح سنتی وجود داشت) به فضاهایی عمومی تحت عنوان پارک و بوستان منتقل شد که در آن دیگر نه از حریم خبری است و نه از حرمت؛ هرچه است آشکار و عریان در معرض دید همه قرار دارد زیرا این عریانی، لازمه انعکاس ابژگی در فضای شهری است. باغ ملی که در دوره قاجار ساخته شده است نشان‌دهنده مفهوم جدیدی از اوقات فراغت در شهر بود که از اولین



تصویر ۱۱: محوطه پارک امین‌الدوله در عصر ناصری

مأخذ: مجلسی کوپایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱.

معاصر ایرانی نظیر خیابان‌ها و فضاهای عمومی شهر را نیز می‌توان همسو با اقتضائات لیبرالیسم و ابژگی زنانه تبیین کرد (تصویر ۱۲)؛ تا جایی که واژه «خیابان رضاخانی» که دلالت بر خیابان‌کشی‌های مستقیم و حریم‌زدا داشت به واژه‌ای کاملاً متداول در ادبیات شهرسازی معاصر ایران بدل گشت.

انتشار برخی اسناد محرمانه مربوط به دوره پهلوی بیانگر آن است که بخش غیرقابل انکاری از این تحولات، سیری برون‌زا و ریشه در سیاست‌های اتخاذشده در خارج از مرزهای ایران داشت زیرا غربی‌ها به خوبی متوجه بودند که برای تثبیت مفهوم لیبرالیسم و ابژگی زنانه و ترویج سبک زندگی غربی در

محققان بر این باورند که امین‌الدوله در طراحی و ساخت این پارک از الگوی پارک‌های انگلیسی استفاده کرده بود (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۱۴۶ و سلطانی، ۱۳۸۶: ۵۲). او هنگام سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۰ قمری ملتزم به رکاب بود و همراه با پادشاه، از پارک‌های آن‌جا از نزدیک بازدید کرده بود و ساخت این پارک را پس از بازگشت از سفر اول شاه از فرنگ آغاز کرد (مجلسی کوپایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹-۸).

بنابراین باتوجه به آنچه بیان شد، ترجمان کالبدی مفهوم ابژگی زنانه در بستر لیبرالیسم غربی، منحصر به ابنیه مسکونی نشد و حریم‌زدایی در عرصه‌های دیگری از شهر

## تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

تثبیت مفهوم لیبرالیسم و ترویج ابژگی زنان را در ایران معاصر به تماشا نشست. در سند خیلی محرمانه ارائه شده در تصویر ۱۳ به ارتباط میان این دو موضوع (البسه و ابنیه) و دستور سیاستمداران غربی برای تجددمآبی در البسه و ابنیه ایرانی تصریح شده است.

جامعه ایرانی باید بر تغییر بینش و کنش بانوان ایرانی به عنوان جامعه هدف خود تمرکز کنند و می دانستند که بستر بروز این تغییر بینش و کنش، صرفاً البسه و وضعیت حجاب زن ایرانی نیست بلکه معماری و شهرسازی و به بیان دیگر، ابنیه به طور عام (و نه صرفاً ابنیه مسکونی) بستر مهم دیگری است که باید در کنار البسه، دستخوش تحول اساسی گردد تا بتوان



تصویر ۱۲: میدان مخابرات تهران در دهه ۳۰ شمسی؛ تأثیر قوانین دوره پهلوی اول در خصوص الزام به احداث ابنیه برون‌گرا در مجاورت معابر تهران در این تصویر مشهود است.

مأخذ: رئیس، ۱۳۹۷، ۸۹.

### نتیجه گیری

نتیجه تحولات معماری و شهرسازی معاصر ایران طی حدود یک سده اخیر (که از اواخر دوره قاجار شروع شد) تغییر پارادایم کالبدی از الگوهای حریم‌زا (و غالباً درونگرا) به الگوهای حریم‌زدا (و غالباً برون‌گرا) بوده است؛ الگوهایی که ترجمانی کالبدی برای بروز هرچه بیشتر ابژگی زنانه هم در مقیاس معماری و فضاهایی همچون ابنیه مسکونی و هم در مقیاس شهرسازی و فضاهایی همچون بوستان‌ها و فضاهای عمومی بوده است (جدول ۲).

این عبارت در خط ششم و هفتم از سند مذکور، به خوبی گویای این مدعا است: «اکنون از آمریکا و لندن صریحاً دستور داریم در این مملکت مد لباس یا ساختمان‌ها و ... و بی‌حجابی را رونق دهیم که مسلمانان نقاب از عورت خود بردارند». ملاحظه می‌گردد که در این سند، به صراحت به موضوع رابطه معماری و ساختمان‌سازی با حجاب‌زدایی و ترویج پروژه ابژگی زنان اشاره شده است (تصویر ۱۳).

### خیلی محرم و بیانه

شقه بدو حفاشتر  
مزارش خیر



- ۷- مع ۱۶۹۹
- ۸- منشا
- ۹- تاریخ دفع ۵-۱۱-۱۳۹۸
- ۱۰- تاریخ رسیدن خبر به من ۱۱-۱۱-۱۳۹۸
- ۱۱- تاریخ رسیدن خبر بر هر عملیات محل ۱۳-۱۱-۱۳۹۸
- ۱۲- ملاحظات حفاظت

معد یک ک  
معد یک ک  
۲۲۱  
۵۷  
۲- شماره برگه ۷۵۹۳  
۱- تاریخ تحویل ۱۸-۱۲-۱۳۹۸  
۳- ...  
۴- گیرنده خبر

موسسه بهائیان

مطلوب  
بیرد

جلسه‌ای با شرکت و فراز بهائیان ناحیه ۱ شیراز در منزل آقای فرهنگ آزادگان وزیرنظر و آقای لقمانی تشکیل گردید. بعد از قرائت نامه آقای ولی اللقمانی در مورد ادیان جهان و آمار آنها و سپس ای بهائیت سخن گفت و وی با تفکر آقایان بهائیان بهتر است بیشتر مطالعه نمایند و از روی حقیقت‌گراوت کنند تا بفهمند معنی بهائیت که امروز آزادی بیشتری دارند یعنی چه؟ در زبان قدیم حیا، نمیتوانستند بگویند ما بهائیان هستیم و سبنا نداشتند تبلیغ کنند اگر هم مبارزای می‌شوردند فوراً آنها را میکشیدند لیکن اکنون آن تدبیرها کنار گذاشته شده است اکنون از آمریکا و لندن مسریحا\* دستور اریم در این مملکت مقرر است برپا سازد ختنانها و ... بر حسابی را رونق دهد هم که مسلمانان تقاضای صورت خود بردارند بطوریکه من مطالبی در منزل آقای معتد قرائت کردم و تمام دختران و پسران بهائیان خودتعال شد و در ایران و کشورهای مسلمان دیگر هر چه توانید با پیروی از بد و تبلیغات ملتان اسلام را رنج دهید تا آنها فکونند اما من حسین فاتح دنیا بود موطنی غالب دنیا البته بهائیان هم تصدیق دارند ولی نه برای قرن اتمی که بدست بهائیان در رستمی شود اسلحه و مهمات بدست موحوانان ما در اسرائیل ساخته میشود این مسلمانان آخربیدست بهائیان از زمین میروند و دنیا را خند درت بهائیان المرونی میگرد.

نظریه بکشیده. اظهارات نشده مورد تأیید است. در نظر  
نظریه چهار رکنه. صحت اظهارات نشده مورد تأیید است.  
نظریه ۷ / هـ - نظریه چهار رکنه مورد تأیید است.

۳۰۰  
۲۱۵۰۴۴  
از تاریخ ۱۱/۱۱/۱۳۹۸

۱۱۳۰۰  
۳۲۱  
موسسه بهائیان  
تأیید شد

تصویر ۱۳. سند خیلی محرم‌نامه ساواک درباره توجه دول غربی به ارتباط معماری و شهرسازی با موضوع حجاب بانوان ایرانی و دستور آنها برای اقدام توأمان

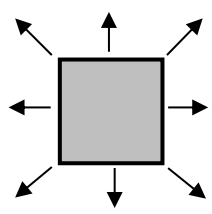
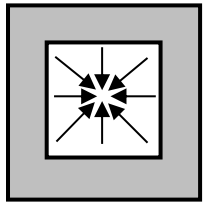
در خصوص تغییر سبک البسه و ابنیه ایرانی در دوره پهلوی

مأخذ: رئیسی، ۱۳۹۸: ۱۸

تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

جدول ۲. برخی تحولات همسو با بروز ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی ایران با مقایسه دو دوره معاصر و سنتی

مأخذ: نگارنده

الگوی غالب در معماری و شهرسازی	کیفیت کلی الگو	بازه زمانی	مصادیق در معماری و شهرسازی ایران	نتیجه
الگوهای حریم‌زدا		معاصر و متأخر (اواخر قاجار به بعد)	تبدیل گونه‌های درون‌گرا به برون‌گرا در ابنیه مسکونی، حذف اندرونی از مسکن معاصر ایرانی، تغییر روابط فضایی میان ریزفضاهای عمومی و خصوصی خانه نظیر اتاق‌ها و آشپزخانه و پذیرایی و غیره، ظهور خیابان‌ها و معابر حریم‌شکن تحت عنوان «خیابان رضاخانی»، تعریف کاربری‌های جدید متناسب با تغییر الگوی فراغت نظیر پارک‌ها و بوستان‌های عمومی و غیره	همسوسدن تحولات معماری و شهرسازی معاصر ایران با اقتضانات بروز ابژگی زنانه در بستر لیبرالیسم غربی و بروز تفاوت ماهوی میان مرد به‌عنوان سوژه و زن به‌عنوان ابژه
الگوهای حریم‌زا		ماقبل معاصر و متقدم (قاجار به قبل)	تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی در ابنیه مسکونی، استفاده از گونه‌های درون‌گرا و تعبیه بازشوها در جبهه‌های درونی خانه برای حفظ حریم حداکثری، نظام سلسله‌مراتبی عقیفانه و حریم‌زا در معابر و دسترسی‌های شهری و محلی، امکان دید حداقلی از معابر و فضاهای عمومی به ابنیه مسکونی و فضاهای خصوصی، ترویج کاربری‌های متناسب با الگوی فراغت سنتی نظیر باغ‌ها و فضاهای سبز خصوصی و غیره	شأنیت یکسان زن و مرد در شناخت هستی و قرارگیری هر دو در جایگاه سوژه و نه ابژه در بستر کالبدی شهر عفیف و حریم‌مند سنتی

حریم‌زدا به جای حریم‌زا، کاملاً همسو با بروز و ظهور ابژگی زنانه در بستر مفهوم لیبرالیسم بوده است و اگر نتوان رابطه علیت میان این دو (یعنی ابژگی زنانه از یک سو و حریم‌زدایی از معماری و شهرسازی معاصر ایران از سوی دیگر) را استنتاج کرد اما همبستگی و همسویی این دو در بستر تحلیل‌ها و استدلال‌هایی که ارائه گردید را می‌توان به‌عنوان یافته اصلی این پژوهش استنتاج کرد.

اینکه برای حل این مسئله و بازتنظیم مجدد سوژه/ابژه در

البته بیان این ادعا که دلیل حریم‌زدایی و عربانی معماری و شهرسازی معاصر ایران در مقایسه با دوره ماقبل آن، صرفاً نفوذ مفهوم ابژگی زنانه به زیست معاصر ایرانی بوده است به‌سادگی میسر نیست و برای اثبات رابطه علی بین این دو، باید شواهد متقنی را ارائه کرد اما آنچه مدعای این پژوهش بود و اکنون پس از تحلیل‌ها و مستندات ارائه شده در این پژوهش می‌توان با اتقان بیان کرد این است که برخی تحولات کالبدی در معماری و شهرسازی معاصر ایران و به‌ویژه جایگزینی الگوهای

بستر معماری و شهرسازی معاصر ایران باید چه نیازمند پژوهش‌های مستقل و مبسوط دیگری است اما آنچه مبرهن است این است که حل چنین مسئله غامضی دفعتاً میسر نیست. تمدن معاصر غرب چنان در اجزای سبک زندگی ما رسوخ پیدا کرده است که نمی‌توان دفعتاً چنین مسئله‌ای را حل کرد ولی می‌توان نقشه‌راهی برای حل گام‌به‌گام و تدریجی آن ترسیم کرد که احصای چنین نقشه‌راهی، نیازمند تعریف پژوهش‌هایی میان‌رشته‌ای است که مبتنی بر تحلیل‌های جامع و چندجانبه (اعم از فلسفه، جامعه‌شناسی، اقتصاد، معماری و شهرسازی و غیره) باشد زیرا حل مسئله پیچیده‌ای که ذو وجهین است و ابعاد مختلف فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و غیره دارد جز با نگاهی جامع و میان‌رشته‌ای مقدور

نمی‌باشد.

### پی‌نوشت‌ها

. و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

. اوست کسی که همه شما را از یک تن آفرید و همسرش را از [جنس] او پدید آورد.

Point Four Program .

. طرح مارشال اقتصاد اروپا را مطابق اصول اقتصادی آمریکا (اقتصاد سرمایه‌داری) پیکربندی می‌کرد.

تحلیلی بر ترجمان ابژگی زنانه در معماری و شهرسازی معاصر ایران

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، (۶)، ۴۴-۱۵.
- اریاب‌زاده، مژگان؛ افضل طوسی، عفت السادات؛ کاتب، فاطمه و دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). بازتعریف بدن در هنر فمینیستی (دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰). مجله باغ نظر، (۵)، ۵۸-۴۷.
- اولین، مارگارت. (۱۳۹۵). نگاه در کتاب مفاهیم بنیادی تاریخ هنر. ویراسته رابرت اس نلسون و ریچارد شیف. ترجمه مهرا مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: مینوی خرد.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴). معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- تحریریه مجله آرشیوتکت. (۱۳۲۷). آرشیوتکت-های ما را بهتر بشناسید. مجله آرشیوتکت، (۶)، ۲۱۹-۲۱۳.
- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۴). گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران. دفتر چهارم (خانه‌های اصفهان). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی دولت‌آباد، بی‌بی حکیمه و هاشم‌نیا، سیده جمیله. (۱۳۹۸). تحلیل انتقادی خود شیء‌نگاری زنان و راهکارهای قرآنی مواجهه با آن. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، (۲۶)، ۱۳۶-۱۵۸.
- سلطانی، مهرداد. (۱۳۸۶). شکل‌گیری بوستان‌های شهری در دوره معاصر (گذر از مفهوم باغ به پارک با محوریت تجارب تهران). مجله باغ نظر، (۸)، ۵۸-۴۸.
- دکارت، رنه. (۱۳۹۱). تأملات در فلسفه اولی. ترجمه احمد احمدی. تهران: سمت.
- رحمتی، اله یار؛ ضیاء شهابی، پرویز و داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۹). سوبژکتیویته در فلسفه دکارت. مجله پژوهش‌های فلسفی، (۳۰)، ۱۰۰-۷۵.
- رئسی، محمدمنان. (۱۳۹۵). ارزیابی و نقد رویکردهای تحقیق در معماری و شهرسازی از منظر اسلامی. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، (۲)، ۱۸-۳.
- رئسی، محمدمنان و انصاری پور، زهرا. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی حجاب‌زدایی و حریم‌زدایی در البسه و ابنیه ایرانی قبل و بعد از ظهور سلسله پهلوی. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، (۱۷)، ۳-۲۰.
- رئسی، محمدمنان. (۱۳۹۷). معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی (از تبیین وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود). قم: انتشارات دانشگاه قم.
- روحی برندق، کاوس؛ خوانین‌زاده، محمدحسین و سعیدی، فاطمه السادات. (۱۳۹۲). ممنوعیت تبرج زنان از منظر قرآن کریم. فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی، (۱۳)، ۱۳۶-۱۲۱.
- کرم، یوسف. (۱۳۹۰). فلسفه کانت و نقد و بررسی آن به ضمیمه مقایسه‌ای بین برهان صدیقین و انتولوژی. ترجمه محمد محمدرضایی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- صدر، محسن. (۱۳۶۴). خاطرات صدر الاشراف. تهران: وحید.
- صلاح، مهدی. (۱۳۸۴). کشف حجاب زمینه‌ها پیامدها و واکنش‌ها. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ضیاء شهابی، پرویز. (۱۳۹۱). درآمدی پدیدارشناسانه به فلسفه دکارت. تهران: هرمس.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ قمری). المیزان. جلد ۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عطائی، نیلوفر. (۱۳۹۹). ویژگی تبرج بر اساس آیه ۳۳ سوره احزاب. مجله علوم اسلامی انسانی، (۲۱)، ۱۵۹-۱۴۸.
- قبادیان، وحید. (۱۳۸۲). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کیاکجوری، خدیجه. (۱۳۵۱). مشخصات کوی‌ها و مساکن در ۹ محل شهر تهران. تهران: دفتر مطالعات و معیارهای ساختمانی.
- مجلسی کوپایی، ابودر؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و فخار تهرانی، فرهاد. (۱۳۹۲). ویژگی‌های نخستین پارک تهران (پارک امین‌الدوله). مجله باغ نظر، (۲۵)، ۱۶-۳.
- مکی، حسین. (۱۳۶۲). تاریخ بیست‌ساله ایران. جلد ششم. تهران: نشر ناشر.
- میرباقری، محمدمهدی. (۱۳۹۳). هنر، دین، تجدد، گفتارهایی در مبانی هنر. قم: انتشارات کتاب فردا.

- Seattle and London: University of Washington Press.
- Karimi, P. (2013). *Domesticity and Consumer Culture in Iran*. New York: Routledge.
- Talmon, A. & Ginzburg, k. (2016). The nullifying experience of self-objectification: The development and psychometric evaluation of the self-objectification scale. *Journal of child abuse & neglect*, (60), 46-57.
- Corbusier, (2023), Retrieved from : <https://www.lescouleurs.ch/en/the-colours/le-corbusier>, 15/8/2023 ; 11 :55 AM.
- Ichs, (2023), Retrieved from: <https://www.iichs.ir/fa/news/19753>, 22/9/2023; 8:25 AM.

هایدگر، مارتین. (۱۳۹۲). مسائل اساسی پدیدارشناسی. ترجمه پرویز ضیاء شهابی. تهران: مینوی خرد.

هنینگ، میشل. (۱۳۹۲). سوژه به مثابه ابژه، لیزولز، عکاسی، درآمدی انتقادی. ترجمه سولماز ختایی لر، ویدا قدسی رانی، مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: مینوی خرد.

Isenstadt, S. & Rizivi, K. (2008). *Modernism and the Middle East: Architecture and Politics in the Twentieth Century*.

## An Analysis of the Reflection of Feminine Objectiveness in Contemporary Iranian Architecture and Urban Planning

Mohammad Manan Raisi

### Abstract

Modern civilization, based on new philosophical foundations, caused fundamental changes in various personal and social spheres, which did not exclude physical spheres and architectural and city-building platforms. One of the most important philosophical foundations mentioned was the concept of liberalism, which required the promotion of an object-oriented view of women, which led to the emergence of serious changes in the field of contemporary architecture and urban planning. In this research, by using a combined method (a combination of qualitative content analysis and logical-argumentation research), the problems resulting from the promotion of feminine objectiveness in contemporary architecture and urban planning have been investigated with an emphasis on the geographical background of Iran. The findings of the research indicate that the emergence of the concept of feminine objectiveness in the context of western liberalism has accelerated and stabilized some serious changes in contemporary architecture and urban planning in Iran which changing the physical pattern of residential buildings from introverted and privacy-creating to extroverted and privacy-removing, changing the pattern of leisure from private spaces such as private gardens and green spaces to public parks and gardens, and some other developments are some of the most important of these changes that all these developments have been aimed at establishing the object-oriented view of women in the philosophical framework of liberalism.

**Keywords:** Feminine objectiveness, Liberalism, Contemporary architecture and urbanism, Residential building, Privacy